

واکاوی مشروعیت ازدواج عرفی از دیدگاه اهل سنت، عواقب و چالش‌های آن

طاهر علی محمدی*

عبدالجبار زرگوش نسب**

چکیده

ازدواج عرفی که در عصر حاضر در میان برخی از مردم کشورهای سنی مذهب؛ بویژه گردشگران عرب کشورهای حوزه خلیج فارس مرسوم شده، نکاحی است که خارج از دادگاه و بدون نظارت آن انجام می‌گیرد، و غالباً بدون حضور ولی و محرمانه رخ می‌دهد. در صحت و بطلان آن میان مفتیان اهل تسنن اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که با ازدواج دائم و نیز موقت دارد، بررسی ماهیت و مشروعیت آن در میان دانشیان اهل سنت، تبیین انگیزه‌های روی‌آوری به آن و تعیین وضعیت آن در حیطة قیود و شرایطی که ازدواج شرعی در دین اسلام دارد، از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته، ضمن برشمردن مهم‌ترین عوامل گرایش به این نوع ازدواج، به دست آمده است که ازدواج مذکور به دلیل دارا نبودن برخی ارکان و شرایط ازدواج دائم؛ از

* نویسنده مسئول، عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه ایلام؛ tahghighat@chmail.ir

** عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه ایلام؛ tahghighat2@chmail.ir

قبیل مهریه، تهیه مسکن و نفقه، و نیز برخی از ارکان ازدواج موقت؛ مثل تعیین مدت نکاح، مشروعیت ندارد و گرایش بخشی از جوامع سنی مذهب به آن، اذعان به صحت اعتقاد شیعه به مشروعیت ازدواج موقت می‌باشد.

واژگان کلیدی

نکاح، ازدواج، ازدواج عرفی، ازدواج دائم، ازدواج موقت.

بیان مسأله

از اهداف ازدواج در اسلام، ایجاد زندگی پایدار همراه با آرامش و مبتنی بر مودت و محبت است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً (روم/۲۱)؛ از نشانه‌های خدا این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید، و میانتان دوستی و مهربانی نهاد». از دیدگاه امامیه، ازدواج در اسلام به دو صورت دائم و موقت مشروعیت دارد؛ اما با توجه به منع خلیفه دوم، اهل سنت نکاح موقت را قبول ندارند. با وجود چنین ممنوعیتی، چند نوع ازدواج دیگر؛ از جمله ازدواج عرفی در میان آنها رواج یافته است. بعضی از مفتیان اهل تسنن آن را باطل و بعضی صحیح می‌دانند.

در خصوص این نوع ازدواج به پژوهشی در میان امامیه برخورد نشد و در بین اهل سنت نیز در قالب کتاب، صرفاً کتاب «اسباب الزواج العرفی و موقف الشرع منه» تالیف احمد ابوندا به دست آمد که در آن دیدگاه‌های برخی از فقهای اهل سنت ذکر و نقد شده است. علاوه بر این کتاب، مقالاتی نیز نوشته شده که فقط در برخی سایت‌ها منعکس شده‌اند که در ضمن بحث آمده و در آنها به رواج این نوع ازدواج در میان بخشی از جامعه سنی مذهب تصریح شده است. ضرورت این بحث از چند وجه روشن می‌شود: ۱- جمعیت قابل توجهی از کشور ما سنی مذهب هستند و روشن شدن حکم ازدواج مذکور می‌تواند برای آنها راهگشا باشد. ۲- مهم‌تر از آن، حرمت ازدواج موقت از نظر اهل سنت از یک سو، و حلیت ازدواج نکاح عرفی از سوی گروهی از علمای آنها و ابتلای بخش قابل توجهی از مسلمانان سنی مذهب به این نوع ازدواج است که این خود می‌طلبد در پی پاسخ به این سوال برآمد که آیا روی‌آوری به ازدواج عرفی و حکم به



جواز آن از سوی برخی دانشیان سنی مذهب، صحت عقیده شیعه مبنی بر مشروعیت ازدواج موقت و نیاز به آن در شرایط خاص را مورد تاکید قرار نمی‌دهد؟ پاسخ به این سوالات و برخی سوالات دیگر در مورد مشروعیت و یا عدم مشروعیت و انگیزه‌های روی‌آوری به آن، مخصوصاً این که در میان امامیه به دلیل جدید بودن، پژوهشی صورت نگرفته است، در این پژوهش مورد امعان نظر است.

قبل از ورود به اصل بحث لازم است شرایط و ارکان عقد نکاح از نظر مذاهب اسلامی ذکر گردد تا بر اساس آنها صحت و سقم ازدواج عرفی از نگاه اهل سنت و امامیه مشخص شود.

۱. ارکان و شرایط نکاح

ارکان ازدواج دائم از دیدگاه اهل سنت عبارت است از وجود زوجین، انشای صیغه (ایجاب و قبول) و به نظر مالکیه عدم تبانی زوج با شهود در کتمان ازدواج. مذاهب اتفاق دارند که ازدواج به وسیله عقد مشتمل بر ایجاب و قبول از طرف زن و مرد یا ولی و وکیل آنان واقع می‌شود و به صرف رضایت طرفین بدون اجرای عقد صحیح نیست. البته حنابله و شافعیه معتقدند که عقد فقط به وسیله نوشتن صحیح نیست (جزیری، ۱۴۱۹، ۲۵ و زحیلی، ۱۹۷۷، ۷۷). از دیدگاه امامیه هم اجرای صیغه لازم است (جبعی عاملی، ۱۴۱۲، ۶۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۹؛ ۱۳۲؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ۲۵؛ یزدی، ۱۴۱۹، ۵۹۶). حنفیه، شافعیه و حنابله اتفاق دارند که عقد ازدواج جز با وجود چند شاهد منعقد نخواهد شد. در این میان حنفیه حضور دو مرد، یا یک مرد و دو زن را کافی دانسته ولی عدالت شاهد را شرط نکرده‌اند. نیز شهادت زن به تنهایی نزدشان صحیح نیست؛ اما شافعیه و حنابله گفته‌اند: شهود باید دو مرد مسلمان عادل باشند. به نظر مالکیه هنگام عقد، حضور شاهد واجب نیست ولی زمان مقاربت واجب است. اگر عقد جاری شد و کسی حضور نداشت عقد صحیح است، ولی موقع مقاربت حضور دو شاهد واجب خواهد بود. هرگاه بدون شاهد مقاربت صورت گیرد، باید عقد آنان فسخ شود و این فسخ به منزله طلاق بائن است (جزیری، ۱۴۱۹، ۳۰ و زحیلی، ۱۹۷۷، ۸۰). از دیدگاه امامیه حضور شهود و اعلان عمومی مستحب است (فیض کاشانی، بی‌تا، ۲؛ ۲۵۹) و شرط صحت نکاح نیست (جبعی عاملی، ۱۴۱۲، ۷۱؛ یزدی، ۱۴۱۹، ۴۸۵).

ازدواج از دیدگاه اهل سنت شرایطی نیز دارد که بدون آنها عقد نکاح صحیح نخواهد بود. در اینجا به شرایطی اشاره می‌شود که لازم است تحقق یا عدم تحقق آنها در ازدواج عرفی مورد توجه قرار گیرد. فقهای مالکیه، شافعیه و حنابله معتقدند که ولیّ به تنهایی در ازدواج دختر بالغه رشیده باکره، استقلال دارد، و اگر بیوه بود، ولیّ با او در این امر شریک است و هیچکدام به تنهایی و بدون نظر یکدیگر نمی‌توانند رأی به ازدواج دهند و واجب است ولیّ، متولی انشای عقد شود و به انشا و گفته‌های زن هرگز عقد منعقد نمی‌شود، اگرچه به ناچار باید با رضای زن باشد. اما فقهای حنفی می‌گویند: زن بالغه رشیده چه باکره باشد یا بیوه، در گزینش شوهر خود مختار و مستقل است و می‌تواند انشای عقد هم بکند و کسی بر او ولایت و حق اعتراض ندارد به شرطی که هم شأن خود را انتخاب کند و به کمتر از مهرالمثل ازدواج نکند (همان منابع). امامیه نیز در این موضوع اختلاف و دارای اقوالی هستند. برخی معتقدند پدر و جد در نکاح دختر کیسه رشیده ولایت دارند؛ در مقابل گروهی نیز منکر این موضوعند و دختر را مستقل در ازدواج خود می‌دانند. اقوال دیگری نیز؛ از جمله اشتراک ولی دختر و دختر در ازدواج او ذکر شده است (جبعی عاملی، ۱۴۱۲، ۷۱؛ یزدی، ۱۴۱۹، ۶۲۳-۶۲۴). با توجه به اختلافاتی که در این خصوص وجود دارد، برخی از فقها احتیاط را در کسب اذن از ولی دانسته‌اند (یزدی، همان، ۴۲۴).

در مورد نفقه همه اجماع دارند که زناشویی سببی از اسباب وجوب نفقه و خویشی است و قرآن بر آن تصریح کرده، آنجا که می‌فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ (بقره/۲۳۳)؛ بر صاحب فرزند است که روزی و لباس زنان را بدهد» و «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ (طلاق/۶)؛ زنان را در جایی که خودتان سکونت دارید سکونت دهید» (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷، ۴؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ۲۸۹ و ۲۸۵؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۱۳۸؛ جزیری، ۱۴۱۹: ۳۴-۲۴ و زحیلی، ۱۹۷۷، ۸۵-۷۷).

از آنجایی که ازدواج موقت فقط از دیدگاه امامیه مشروعیت دارد (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۴۰؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۲، ۱۰۳) بدیهی است که اهل سنت در باره ارکان و شرایط آن سخنی نداشته باشند. نکاح موقت از دیدگاه امامیه علاوه بر اجرای صیغه (جبعی عاملی، همان، ۱۰۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰: ۱۵۳)، نیازمند تحقق دو رکن مهم دیگر؛ یعنی تعیین و ذکر مدت و مهر است (طوسی، ۱۴۰۷، ۴: ۳۴۰؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ۲۶۱؛ نجفی، همان).



۲. ازدواج عرفی

ازدواج عرفی در ابتدا در یمن با نام ازدواج پنج‌شنبه‌ها رواج یافت. بیشتر مشتریان این نوع ازدواج‌ها گردشگران عرب کشورهای حوزه خلیج فارس بودند که برای گذراندن تعطیلات خود در فصل تابستان به کشور سرسبز یمن می‌رفتند. از آنجایی که در تابستان که فصل گردشگری است صورت می‌گرفت، ازدواج المصیاف نیز نامیده می‌شد. این نوع ازدواج در سال‌های اخیر بیشتر در مصر رواج یافته است (غامدی، ۲۰۰۷: www.alriyadh.com/217742؛ عادل عامر، ۲۰۰۷: www.f-law.net/law/threads/17278). ازدواج عرفی خارج از دادگاه و بدون نظارت آن انجام می‌گیرد، و غالباً بدون حضور ولی و محرمانه رخ می‌دهد؛ از این‌رو در اغلب موارد، انکار می‌شود و حقوق زن پایمال خواهد شد، و کودکان متولد شده از آن بی‌سرپرست مانده و رها می‌شوند (ابوالصل، ۲۰۰۸، ۱۶).

ازدواج عرفی به چهار صورت واقع می‌شود: ا- با حضور شهود و ولی، موافقت دو طرف و اعلام آن بدون ثبت رسمی؛ ب- با موافقت ولی، حضور شاهدان و رضایت زوجین بدون اعلام و بدون ثبت رسمی؛ ج- با اجرای ایجاب و قبول از زوجین و حضور شهود بدون موافقت ولی، اعلام و ثبت رسمی؛ د- بدون ثبت رسمی، بدون اعلام و بدون حضور شهود و ولی (ندا ابوحامد، بی‌تا، ۳۱ و ۳۲).

۳. ازدواج عرفی از دیدگاه علمای اهل سنت

علمای اهل سنت اجماع دارند بر اینکه ازدواج عرفی اگر تمام ارکان و شروط معتبر شرعی را نداشته باشد، ازدواج نخواهد بود؛ هرچند ازدواج نامیده شود. نیز اجماع نموده‌اند بر اینکه اگر دارای تمام ارکان و شروط معتبر باشد عقدی صحیح است و کتابت و یا ثبت آن شرط صحت عقد نمی‌باشد؛ بلکه برای صیانت و جلوگیری از تضییع حقوق شرط است. در مورد صحت ازدواج عرفی اختلافی باقی می‌ماند و آن این است که با مقاصد بزرگ نکاح مخالفت دارد یا اینکه سبب بوجود آمدن آثار بد در جامعه و سوءاستفاده فاحش از این ازدواج می‌شود به طوری که به نظر عموم مردم تفاوتی بین آن و زنا نیست؛ لذا کسانی که قایل به مباح بودن آن شده‌اند نظر به (اصل) انعقاد چنین ازدواجی داشته‌اند، اما آثار و عواقب آن جای اشکال و نظر است. و کسانی که قایل به حرام بودن این ازدواج شده‌اند نظر به مقاصد ازدواج داشته‌اند. قایلان به حرمت بر دو

دسته‌اند: دسته اول، به طور مطلق قایل به حرمت آن شده و به دلیل آثار فاحش و بد آن، بر تحریم و عدم مشروعیتش تأکید کرده‌اند، بدون اینکه میان عقد دارای ارکان کامل و شرایط، عقد خالی از ارکان و شرایط و عقدی که ارکان و شرایطش ناقص است با زناى محض تفاوتی قایل شده باشند. دسته دوم، عقدی که همه ارکان و شرایط را دارا است، به لحاظ آثارش و نه از جهت اصل عقد، حرام دانسته‌اند (مطلق، ۲۰۱۴: www.zawjan.com/p=59).

۳-۱. دیدگاه مخالفان ازدواج عرفی

گروهی از اهل سنت در مقابل این نوع ازدواج موضعی منفی گرفته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

أ. برخی با تقسیم ازدواج عرفی به چهار قسم که ذکر آنها گذشت، قسم اول را با وجود اعتقاد به صحتش، به دلیل آثار منفی‌ای که دارد (چون: سرنوشت مبهم فرزندان به واسطه عدم امکان ثبت رسمی فرزندان که ناشی از عدم ثبت این ازدواج است، و سرنوشت مبهم زوجه، در صورت رهاشدنش توسط زوج، که نه طلاق داده شده باشد و نه شوهر به او برگردد)، گناه شمرده‌اند (ندا ابواحمد، بی‌تا). قسم دوم را نیز گناه دانسته‌اند؛ چون ورود و خروج نسبت به زنی که مردم نمی‌دانند با او رابطه زوجیت دارد، ایجاد شبهه می‌کند که باید از آن دوری کرد. پیامبر (ص) فرمود: «دع ما یریبک الی ما لا یریبک (سیوطی، ۱۹۹۰، ۲۵)؛ آنچه شبهه‌ناک است ترک کن و به آنچه که شبهه‌ناک نیست ملتزم شو». قسم سوم هم که میان دانشجویان با هدف اشباع شهوت و غریزه جنسی صورت می‌گیرد، نزد مشهور فقها باطل است و قسم چهارم نیز از همه‌ی اقسام دیگر بدتر است (ندا ابواحمد، بی‌تا).

ب. بعضی از مفتیان اهل سنت به چند دلیل آن را حرام دانسته‌اند (همان): ۱- در ازدواج عرفی مهریه نیست، در حالی که در قرآن تصریح به پرداخت مهریه (اجور) شده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً (نساء/۲۴)؛ از آن زنانی که بهره‌مند شدید آن حق معین که مزد آنها است به آنان بپردازید». ۲- نفقه در آن نیست



درحالی که حتی اگر زن پولدار باشد پرداخت نفقه واجب است. قرآن می‌فرماید: «لینفق ذو سعة من سعته (طلاق/۷)؛ باید ثروتمند از ثروت خود انفاق کند».

ج. دارالافتاء المصریه به دلیل اینکه ازدواج عرفی ارکان و شروط ازدواج شرعی را دارا نیست اخیراً فتوایی مبنی بر حرمت آن صادر کرده است و بزرگان علمای اهل تسنن نیز آن را تأیید کرده‌اند (ندا ابواحمد، بی‌تا، ۳۴).

د. مجمع البحوث الاسلامیه حکم نموده است که هر کس بدون ثبت رسمی ازدواج کند باید مجازات شود. مهم‌ترین ارکان عقد، ایجاب و قبول، و اصلی‌ترین شرایط آن، حضور ولی و دو شاهد و تعیین مهر است، که در ازدواج عرفی چنین ارکان و شرایطی تحقق نمی‌یابد؛ مردی به زنی می‌گوید با من ازدواج کن، زن می‌گوید خود را به ازدواج تو در آوردم؛ کاغذی می‌نویسند و به بهانه ازدواج عرفی مانند زوج و زوجه با هم معاشرت می‌کنند. به این عمل نمی‌توان گفت ازدواج عرفی یا ازدواجی دیگر؛ بلکه زنا است؛ چون بدون حضور شهود و ولی محقق می‌شود (همان).

همان‌گونه که مالک می‌گوید، شهادت شهود در عقد ازدواج به عنوان شرط و هنگام مقاربت واجب، و بدون آن عقد باطل است؛ چنانکه علنی بودن ازدواج هنگام عقد واجب می‌باشد (خرشی، بی‌تا، ۲۲۰).

ه. شیخ صفوت نورالدین رئیس جماعت انصار السنه المحمديه سابق گفته است: آنچه که ازدواج عرفی می‌نامند، عرفی نیست؛ چون عرف آن است که در عرف جامعه باشد بدین صورت که شوهر زنی بمیرد و بخواهد ازدواج عرفی کند؛ یعنی خانواده جمع شوند و ازدواج صورت بگیرد و با نوشتن کاغذی ازدواج عرفی و زندگی طبیعی مانند سایر خانواده‌ها داشته باشند، ولی وقتی یک دختر دانشجو بدون اطلاع خانواده ازدواج کند این مصیبت است؛ بخصوص اگر حامله شود. در این زمان دانشجویان بر این ازدواج رقابت می‌کنند؛ یک کاغذ می‌نویسند و دو شاهد می‌آورند و به کتمان و پنهانی سفارش می‌کنند. این اصلاً ازدواج نیست، نه عرفی، نه شرعی و نه رسمی؛ زیرا موافقت ولی را نادیده گرفته و بر کتمان آن تبانی کرده‌اند (ندا ابواحمد، بی‌تا، ۳۴).

و. شیخ نصر فرید واصل مفتی اسبق مصر می‌گوید: ازدواج عرفی در این روزگار که در آن تقوی ضعیف شده و فتنه‌ها، انکار گواهی شهود، شهادت دروغ، تزییع حقوق زوجیت و نسب بجهای که از این ازدواج به وجود می‌آید فراوان شده است، شرعاً صحیح نیست مگر اینکه ارکان و شرایط شرعی نکاح در آن فراهم شود که عبارتند از: ۱- صیغه شرعی صحیح بین زوج یا وکیلش و ولی زوجه یا وکیل شرعی زوجه. ۲- وجود ولی شرعی زوجه هنگام اجرای عقد تا اینکه خود ولی به جای زن متولی عقد شود؛ زیرا ولی شرعی رکنی از ارکان ازدواج نزد مشهور فقها است، و فقدان و نبودن آن نزد مشهور فقها موجب بطلان عقد می‌شود... ۳- حضور شاهدان عادل هنگام اجرای صیغه عقد (مطلق، ۲۰۱۴: www.zawjan.com/p=59).

ز. شیخ محمد متولی شعرای می‌گوید: «ازدواج عرفی، زنا است؛ زیرا اگر ازدواج در خفا و پنهانی باشد باطل است به دلیل عدم اعلام و عدم وجود شهود (مطلق، ۲۰۱۴: www.zawjan.com/p=59).

ق. به نظر احمد عمر هاشم رئیس اسبق دانشگاه ازهر، ازدواج عرفی حرام است حتی اگر دارای ارکان باشد. عدم ثبت محضری باعث می‌شود حقوق زن پایمال شود و اگر یکی از ارکان را نداشته باشد، اصلاً ازدواج به حساب نمی‌آید. شیخ عطیه صفر رئیس کمیسیون اسبق استفتاء در ازهر و عبدالمعطی بیومی استاد تفسیر در دانشگاه ازهر با او هم رأیند (همان).

۳-۱-۱. دلایل بطلان ازدواج عرفی

از مطالب قبلی معلوم شد که از نظر برخی از علمای اهل سنت ازدواج عرفی به علت دارا نبودن شرایط و ارکان نکاح صحیح شرعی؛ از جمله عدم حضور ولی زوجه، عدم حضور شهود عادل و شهادت آنها، و عدم اعلام عمومی باطل و غیرشرعی است. دلایل دیگری نیز ذکر شده است که عبارتند از:

أ. عدم تحقق هدف و مقاصد شرع از ازدواج عرفی؛ خداوند متعال هنگامی که ازدواج را تشریح و مقرر کرد اهداف اجتماعی و مقاصدی چون: تولید مثل، برپایی (اقامه) زندگی



همراه با آسایش، آرامش و با اطمینان بین زوج و زوجه که بر اساس مودت و رحمت باشد، را هدف گرفته بود؛ ضمن آن که گزینه از راه مشروع اشباع شود (ندا ابواحمد، بی تا، ۳۴).

به دلیل این آیه و نیز قول رسول خدا(ص): «تناكحوا تكثروا، فإني اباهي بكم الامم يوم القيامة و لو بالسقط (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۳)؛ ازدواج کنید و فرزند آورید و بیفزایید که در روز قیامت میان ملت‌ها به شما افتخار می‌کنم گرچه به بچه سقط شده باشد»، در ازدواج عرفی، مقاصد اهدافی چون: آرامش و آسایش، مودت و رحمت، و ازدیاد نسل نیست.

دکتر محمد نبیل غنایم می‌گوید: «در ازدواج عرفی هیچ یک از این مقاصد جز اشباع گزینه جنسی به صورت حیوانی شبیه به زنا، سرقت و تجاوز به عنف وجود ندارد. زن و مرد و پسر و دختر به طور مخفیانه و در تاریکی ملاقات می‌کنند و در پنهانی و تاریکی از هم جدا می‌شوند؛ از هر حرکتی می‌ترسند و از هر صدایی می‌لرزند؛ چون احساس می‌کنند مرتکب جنایتی می‌شوند نه ازدواج... . ازدواج عرفی تناسبی با اطمینان و آرامش و مقاصد ازدواج ندارد و به بهره بردن جنسی از زن تناسب دارد. هدف از ازدواج عرفی با مدتی بهره بردن جنسی از زن یا دختر یکی است؛ سپس رها کردنش و فرار از او بعد از باطل کردن عقد عرفی بدون سعی جهت ایجاد خانواده و بوجود آوردن فرزند» (ندا ابواحمد، بی تا، ۲۴).

ب. نفقه در ازدواج عرفی نیست؛ در حالی که قرآن کریم، سنت و اجماع فقها بر وجوب نفقه دلالت دارند (همان). بخاری و مسلم از عائشه نقل کرده‌اند که گفته است: «ان هنداً قالت: یا رسول الله إن أباسفیان رجلٌ شحیح و لیس یعطینی ما یکفینی و ولدی إلا ما أخذت منه و هو لا یعلم فقال: خذی ما یکفیک و ولدک بالمعروف؛ هند به پیامبر (ص) عرض کرد: ای رسول خدا ابوسفیان مرد خسیسی است و خرجی کافی نمی‌دهد که من و فرزندانم را کفایت کند، مگر اینکه خودم مخفیانه بردارم و او نفهمد. پیامبر (ص) فرمودند: به مقداری که تو و فرزندانم را کفایت کند، به شایستگی از اموال او ببر» (بخاری، ۱۴۰۱، ۱۰۳؛ نیسابوری، ۱۹۸۱، ۷ و ابوداود، ۱۳۶۹/۱۹۵۰، ۷۶۹).

هنگامی که زن به طور مخفیانه ازدواج می‌کند، پدرش به او نفقه می‌دهد، و کسی که با او ازدواج کرد لذت جنسی از او می‌برد و همانند زن و شوهر با او معاشرت می‌کند بدون اینکه خود را مکلف به انفاق کند (ندا ابواحمد، بی تا، ۲۴).

ج. در ازدواج عرفی مسکنی مخصوص زندگی همسررداری در بین نیست؛ معاشرت به معروف آن است که شوهر همسرش را در خانه‌ای مناسب اسکان دهد و زوجه جز با اجازه شوهر از خانه خارج نشود. این امر در ازدواج عرفی نیست. شیخ سعید عبدالعظیم در کتاب خود با عنوان الزواج العرفی می‌گوید: (گاهی اوقات) چهار دانشجوی پسر یک آپارتمان اجاره می‌کنند و هر یک از آنها در یک اتاق با دختر رفیقش ساکن می‌شود به طوری که روزانه به اتاق می‌روند، سپس دختران به خانه می‌روند؛ مانند اینکه از دانشکده و دانشگاه برگشته‌اند. این چه هتاک و تباهی است (همان).

د. ازدواج عرفی ثبت رسمی نمی‌شود، در حالی که در عصر حاضر به هدف تأمین حقوق اهمیت دارد. لذا اشاعه پدیده ازدواج عرفی بخصوص میان دانشجویان دختر و پسر واقعاً یک پدیده خطرناک است که می‌تواند امت و جامعه را نابود کند، و نسلی بوجود بیاورد که پدر و مادرشان را نشناسند بلکه نسل‌هایی سر راهی خواهند بود. این نوع از ازدواج، محقق‌کننده اهداف اجتماعی و انسانی ازدواج نیست؛ در حالی که خداوند متعال فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا ... (روم/۲۱)». این نوع از ازدواج چون مبنی بر کتمان و پنهان کردن است، خانواده پسر و دختر شناخته نمی‌شوند و در آن نفقه اجباری، مسکن، پوشاک، مودت، رحمت و همکاری وجود ندارد. بنابراین، همیشه دو طرف احساس گناه و ترس از آینده دارند و در نگرانی و اضطراب به سر می‌برند، که این خود درهای فساد و تباهی را به دنبال خواهد داشت. حسرت و پشیمانی و ادعای هر نوع از حقوق زوجیت در دادگاه بی‌ارزش می‌ماند؛ چون ثبت رسمی نشده است، از این رو زن بدون تکلیف می‌ماند و نمی‌تواند با مردی دیگر ازدواج کند... و فرزندان در معرض تباهی قرار می‌گیرند و گاهی نسبشان در جامعه مورد انکار قرار خواهد گرفت (عادل عامر، ۲۰۰۷: www.f-law.net/law/threads/17278).



از این رو قانون احوال شخصیه بر اهمیت توثیق و ثبت عقد ازدواج جهت حفظ و حمایت حقوق زوجیت شرعی تصریح کرده است. ماده ۹۹ فقره چهارم از لایحه شرعی که در ۱۹۳۱ صادر شده به طور صریح بیان می‌کند که: هنگام انکار یا اقرار، ادعای زوجیت پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه ثبت رسمی شده باشد (ندا ابواحمد، بی تا، ۳۲). در تایید اهمیت ثبت به سخنی از ابن تیمیه اشاره می‌شود. وی می‌گوید: «صحابه مهریه را ثبت نمی‌کردند چون مهریه به طور نقد و حال پرداخت می‌شد و اگر آن را به تأخیر می‌انداختند این احسان بود. هنگامی که مردم مهریه را مدت‌دار قرار دادند به مدتی که طولانی بود؛ چون فراموش می‌شد، آن را ثبت می‌کردند و این حجت است در اثبات مهر و زوجیت» (ابن تیمیه، ۱۳۸۵، ۱۳۱).

۳-۱-۲. نقد ادله مخالفان ازدواج عرفی

به عقیده اندیشوران و فقهای اهل سنت اگر ازدواج عرفی دارای تمام شرایط و ارکان نکاح شرعی باشد، صحیح است و الا باطل خواهد بود. در این خصوص چند نکته را باید گفت: الف- اولاً ازدواجی که تمام شرایط و ارکان نکاح دائم را دارا باشد، ازدواج عرفی محسوب نمی‌شود؛ بلکه همان نکاح دائم مشروع می‌باشد؛ خواه اسمش عرفی گذاشته شود یا چیز دیگر؛ زیرا روشن است که نامگذاری تغییری در ماهیت کار ایجاد نمی‌کند. ثانیاً چنین فرضی درست نیست؛ چون همان گونه که از مجموع اقوال موافقان و مخالفان و تعاریف نکاح عرفی برمی‌آید، بحث در ازدواجی است که برخی شرایط و ارکان نکاح دائم از دیدگاه اهل سنت را ندارد و در میان جامعه به ازدواجی جدید با اسمی مخصوص و ماهیتی غیر از ازدواج دائم شناخته شده است. مسلماً بحث در عالم فرض و غیرواقعی، مشکلی را حل نمی‌کند و می‌بایست واقعیت رخ داده در جامعه سنی مذهب را باور کرد و در باره آن نظر داد. ب- آشکارا واقع شدن ازدواج، کتابت و یا ثبت آن شرط صحت عقد نمی‌باشد؛ زیرا از ناحیه شارع هیچ دلیلی بر لزوم آنها به دست ما نرسیده است. بنابراین صحت و بطلان ازدواج عرفی دایر مدار تحقق و عدم تحقق این موارد نیست. ج- مقاصدی که برای نکاح برشمرده شده، مخصوص نکاح دائم است و هیچ بعدی ندارد که ازدواجی غیر از نکاح دائم تشریح شود که هیچ کدام و یا برخی از مقاصد آن را نداشته باشد؛ همان گونه که ازدواج موقت در نزد امامیه چنین است. د- جدا از پذیرش یا عدم پذیرش شرایط و ارکان مورد نظر اهل سنت برای ازدواج دائم، مطابق

دیدگاه آنان چنین ازدواجی حکمی جز بطلان نخواهد داشت؛ زیرا به طور قطع برخی شرایط و ارکان مورد نظر آنها را ندارد.

۳-۲. دیدگاه قایلان به صحت ازدواج عرفی

برخی از علمای اهل سنت قایل به صحت ازدواج عرفی شده‌اند؛ به نظر زحیلی ازدواج عرفی مانند ازدواج دائم است و با آن یک تفاوت دارد که عبارت است از اینکه ازدواج عرفی ثبت رسمی نمی‌شود، ولی تمام آثار شرعی و قانونی؛ مثل حق مبیعت و ثبوت نفقه بر آن مترتب می‌شود (زحیلی، ۱۴۲۸، ۹۰).

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین عضو استفتاءات و دعوت سابق عربستان نیز می‌گوید: «ازدواج عرفی مباح است مادامی که ولی و دو شاهد حضور داشته باشند که صیغه ایجاب و قبول اجرا شود و موانع نکاح منتفی باشد. ثبت در دفاتر رسمی از شروط نکاح نیست؛ بلکه آن به علت نیاز به ثبت زوجه بودن در دفتر خانواده^۱ از ترس جعل و دروغ و از حیث اینکه گاهی برای مسافرت به خارج کشور اضطرار پیدا می‌کند، شرط شده است؛ لذا اثبات آن شرط شده و اثبات بر سند محضری متوقف است، ولی اصل این است که ثبت سند محضری واجب نیست؛ چنانکه مسئله قبل از پنجاه، شصت سال چنین بوده است. اگر عقد دارای تمام شروط باشد مانعی از چنین ازدواجی نیست خواه داخل کشور باشد یا خارج کشور (مطلق، ۲۰۱۴: ۵۹ www.zawjan.com/p=59).

شیخ صالح بن فوزان هم می‌گوید: «ازدواج عرفی، در صورت وجود ارکان نکاح که عبارتند از: خالی بودن زن و مرد از موانع ازدواج، و ایجاب و قبول؛ و کامل بودن شروط صحت عقد که عبارتند از: وجود ولیّ دارای شروط ولایت، حضور دو شاهد عادل، رضایت زن و مرد، تعیین زوج و زوجه، و اعلام ازدواج، عقدی صحیح می‌باشد» (همان).

به عقیده یوسف قرضاوی ازدواج عرفی، ازدواجی شرعی بدون ثبت محضری و یک ازدواج معمولی است که در آن زوج متکفل تهیه مسکن و نفقه زن می‌شود (همان).

در دوران شیخ حسن مأمون مفتی مصر در تاریخ ۱۴/۸/۱۹۵۶م این فتوی صادر شد: «عقد ازدواج عرفی اگر دارای تمام ارکان و شرایط شرعی باشد، معاشرت شرعی بین مرد و زن جایز و حلال است» (عادل عامر، ۲۰۰۷: ۱۷۲۷۸ www.f-law.net/law/threads/17278).

۱. در عربستان، نام زوجه به عنوان اینکه عضوی از خانواده شوهر است در شناسنامه درج نمی‌شود و آن را در دفتری به نام دفترالعائله به معنای دفتر خانواده ثبت می‌کنند.



نیز در دوره ایشان در تاریخ ۱۹۵۸/۱۲/۶ م فتوای دیگری به این شرح صادر شد: «ازدواج عرفی‌ای که دارای ارکان و شرایط باشد شرعاً صحیح است» (همان). در زمان احمد محمد هریدی مفتی مصر در تاریخ ۱۹۶۳/۹/۷ م نیز این فتوی صادر شد: «عقد ازدواج شرعاً بین دو طرف (مرد و زن) به وسیله هر دو یا به وسیله وکیل یا ولی‌شان با ایجاب از یک طرف و قبول از طرف دیگر هر گاه این عقد دارای تمام شروط شرعی که در کتاب‌های فقهی بیان شده، باشد، تمام آثار و نتایج بر این عقد مترتب می‌شود، و حقوق هر یک بر دیگری ثابت است، بدون اینکه متوقف بر ثبت رسمی یا نوشتن کاغذی عرفی باشد» (همان). این از لحاظ شرعی است؛ اما از لحاظ قانونی، در بخشنامه عمومی دولت، قانون شماره (۷۸) سال (۱۹۳۱ م) در فقره چهارم از ماده (۹۹) تصریح کرده که هنگام انکار ادعای زوجیت یا اقرار به آن، ادعای او (اعم از انکار زوجیت یا اقرار به زوجیت) پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه در سند رسمی ثابت شده باشد... مقتضای آن این است که قانون برای صحت عقد شرط نکرده که باید در سند رسمی ثبت شده باشد، فقط برای پذیرفتن ادعای زوجیت و آثار آن مانند اطاعت، نفقه و غیره به استثنای نزاع و اختلاف در نسب، شرط ثبت رسمی کرده است (همان).

در دوران شیخ جادالحق علی، جاد الحق رئیس جامع الازهر در تاریخ ۱۹۷۸/۱۰/۱۸ م این فتوا را صادر کرد: «ازدواج عرفی - که توسط کارمند مسئول صدور عقد ازدواج ثبت نشده - شرعاً صحیح است» (همان) هرگاه دارای شرایط و ارکانی که فقها گفته‌اند باشد. مهم‌ترین آن شرایط عبارت است از: ایجاب و قبول از دو طرف، حضور دو شاهد، عدم موانع شرعی، ثبوت نسب فرزند با آن عقد، هر چند به وسیله کارمند مسئول ثبت، ثبت نشده باشد، به شرط آن که از زمان عقد تا ولادت شش ماه یا بیشتر سپری شده باشد. اما اگر مدت آن کمتر از شش ماه باشد؛ مثلاً تاریخ عقد عرفی ۱۹۶۱/۹/۱ م و ولادت ۱۹۶۱/۱۲/۳۰ م باشد که چهار ماه است، نسب این کودک از این زوج ثابت نمی‌شود؛ چون کمتر از مدت حمل شرعی است، مگر اینکه زوج به فرزند او اقرار کند؛ مشروط به اینکه نگوید از زنا به دنیا آمده، و نیز نگوید از مردی دیگر است. نیز در دوران ایشان به تاریخ ۱۹۸۱/۱/۱۹ م این فتوی صادر شد: «ازدواج در اسلام عقد قولی با ایجاب و قبول است؛ ... از کسانی که شرعاً اهلیت اجرای عقد دارند با حضور دو شاهد بالغ عاقل و مسلمان، اگر مرد و زن مسلمان باشند» (همان).

برای وادار کردن مردم به ثبت محضری و کامل کردن ثبت رسمی عقد ازدواج، ماده (۹۹) از لایحه محاکم شرعی بر اساس تعمیم بخشنامه قانون شماره ۷۸ سال ۱۹۳۱م، محکمه‌ها را از پذیرش ادعای زوجیت یا یکی از حقوق مترتب بر زوجیت، هنگام انکار منع کرده است، مگر اینکه بر اساس وثیقه ازدواج رسمی باشد. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «ادعای زوجیت هنگام انکار پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه با سند رسمی ثبت شده باشد». از اول اگوست سال ۱۹۳۱م، این ماده به وسیله ماده شماره ۱۷ از قانون شماره (۱) سال ۲۰۰۰م تعدیل شد، و نص ماده به این صورت در آمد:

«ادعاهای ناشی از عقد ازدواج اگر سن زوجه کمتر از شانزده سال میلادی، یا سن زوج از هجده سال میلادی کمتر باشد پذیرفته نمی‌شود. در زمان شکایت و هنگام انکار دعای ناشی از عقد ازدواج، در صورتی که ازدواج ثبت رسمی نشده باشد پذیرفته نمی‌شود، و ادعای طلاق یا فسخ به حسب حالات در صورتی که ازدواج به کتابت ثابت شود. پذیرفته خواهد شد. ادعای طلاق بین زوجین نیز در صورت متحد بودن دین و مذهب پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه دینشان آن را اجازه دهد» (مطلق، ۲۰۱۴، www.zawjan.com/p=59).

بنابراین قانون، نه در ماده‌ی قدیم و نه در ماده‌ی تعدیل شده، صحت عقد را مشروط به ثبت رسمی نکرده است، بلکه صرفاً ثبت رسمی را برای پذیرفتن دعوی بین زوجین و آثار زوجیت مانند اطاعت و نفقه و غیره - جز نزاع در نسب- شرط می‌داند؛ این در حالت انکار زوجیت است؛ اما در صورت اقرار به زوجیت، ثبت رسمی شرط پذیرفتن ادعای زوجیت نیست» (همان).

۳-۲-۱. نقد و بررسی ادله موافقان

به نظر می‌رسد ازدواج عرفی‌ای که این دسته از اهل سنت به جواز و صحت آن فتوا داده‌اند، با توجه به شرطی که مبنی بر دارا بودن همه شرایط و ارکان نکاح شرعی کرده‌اند، چیزی غیر از ازدواج دائم نیست که اسمش را عرفی گذاشته‌اند با این تفاوت که ثبت رسمی نمی‌شود و ثبت رسمی شدن هم به اعتقاد اینان شرط صحت نکاح نیست؛ بنابراین ازدواج عرفی با چنین شرایطی از نگاه اینان چیز جدیدی محسوب نمی‌شود. البته با توجه به تأکیدی که بر شمول آن نسبت به ارکان و شرایط لازم در نکاح شرعی داشته‌اند اگر ازدواج عرفی دارای برخی ارکان و شرایط ازدواج دائم؛ مثل حضور ولی و



شهادت شهود نباشد، قاعدتا از دیدگاه آنان نیز باطل و حرام خواهد بود؛ همان گونه که دیگران هم بر همین اعتقادند؛ بنابراین به نظر می‌رسد اختلاف این گروه با دسته اول که مخالف ازدواج عرفی اند جز در موارد نادری لفظی خواهد بود. نکته مهم اینجا است که بر اساس شواهد و مدارک موجود، در میان مردم سنی مذهب، ازدواج عرفی‌ای رایج است که برخی از شرایط مورد نظر قائلان به جواز را بر نمی‌تابد. بنابراین گروه دوم هم چاره‌ای جز حکم به حرمت و بطلان آن ندارند؛ در حالی که چنین حکم نداده‌اند.

۴. اسباب و انگیزه‌های ازدواج عرفی

برخی از پژوهشگران اسباب و انگیزه‌های ازدواج عرفی را چنین برشمرده‌اند: ا- اسباب روانی و تربیتی که عبارتند از: بی‌توجهی والدین به فرزندان، عدم رفتار محبت‌آمیز و بر اساس ارزش‌ها با آنان، اختلاط در اماکن عمومی و محل تحصیل علم و... بدون نظارت بر آنان، اسباب رسانه‌ای؛ اعم از صدا و سیما، اینترنت، ماهواره و مجلات تحریک‌کننده غرایز شهوانی. ب- اسباب و عوامل اقتصادی؛ مثل سنگینی مهریه، هزینه‌ی بالای ازدواج، بیکاری و نبودن فرصت شغلی، فراوانی آپارتمان‌ها و دسترسی آسان به نکاح عرفی، ثروتمند بودن برخی از مردان. ج- عوامل اجتماعی و اخلاقی که عبارتند از: بالا رفتن سن ازدواج، بهانه کردن شرایط و مشکلات خانوادگی، جهل و عدم درک عواقب و آثار منفی مترتب بر ازدواج عرفی، انتشار عادات و رسوم بیگانه در جامعه، و عدم تمسک به ارزش‌های اسلامی در محیط جامعه و خانواده (زین‌العابدین، ۱۹۹۴). نیز ببینید: عادل عامر، ۲۰۰۷: www.f-law.net/law/threads/17278.

برخی دیگر، اسباب ازدواج عرفی را چنین برشمرده‌اند: مختلط بودن زنان و مردان در مکان کار، آموزش، مسافرت و اردو، دوری از دین و نبودن نظارت خانوادگی، تبرج و بی‌حجابی در مدارس، دانشگاه‌ها و محل کار، بی‌بند و باری و آزادی بدون قید و شرط، نبودن آگاهی دینی، آشفتگی فتاوی، بالا بودن سن ازدواج، وجود فتنه در اطراف جوانان، امتناع ولی از ازدواج فرزندان، سخت بودن ازدواج مجدد (ندا ابواحمد، بی‌تا).

در یک بررسی فقهی اجتماعی در جامعه عربستان با عنوان "مفاسد الزواج العرفی و مساوؤه" از حقیقت ازدواج عرفی در عربستان و خارج آن، و اسباب روی آوردن بعضی از دختران به ازدواج عرفی پرده‌برداری شده است. در این پژوهش ضمن تصریح به مفاسد و موارد منفی زیاد ازدواج عرفی؛ از جمله تبدیل ازدواج به بازار لذت بردن جنسی،

افزایش موارد طلاق، عدم تحمل مسئولیت، بی‌غیرتی و تباه شدن مفهوم خانواده، بعضی از مصاحبه‌ها را با افرادی که ازدواج عرفی کرده‌اند، آورده است که در اینجا به سه مورد (مطلق، ۲۰۱۴: www.zawjan.com/p=59) اشاره می‌شود:

أ. خانم م.م. ۴۷ ساله می‌گوید: هرچند یک ازدواج سریع و بدون هزینه است که مشکلات زیادی را حل می‌کند؛ اما زوجه در آن حقوقی ندارد. این خانم ضمن اقرار به اینکه تنها نیاز ضروری او را به چنین ازدواجی وادار کرده می‌گوید: احساس نمی‌کرد کسی که با او معاشرت می‌کند شوهرش است، و توصیه به ازدواج رسمی دارد.

ب. خانم أ.ب. ۳۰ ساله دانشجویی عربستانی که با مردی غیرعربستانی ازدواج عرفی کرده است، از موارد منفی آن چنین می‌گوید: احساس می‌کنم بخاطر ترس از همسر و فرزندانش توسط شوهرم و جامعه که چنین ازدواجی را نمی‌پذیرد بی‌اعتبار شده‌ام. درست است که با کسی ازدواج کردم که دوستش دارم ولی ازدواجی ناقص است، احساس می‌کنم که خواسته‌های غیرواقعی بر من تحمیل می‌کند چون حقوق زیادی از من پامال شده که ساده‌ترین آنها علاقه‌ام به وجود فرزند است. این خانم به زنانی که شرایط او را دارند نصیحت می‌کند به اینکه ازدواج عرفی نکنند.

ج. خانم (ه.ن.) که متأهل است، این ازدواج را رد می‌کند و می‌گوید: مشکل بی‌شوهری را حل نمی‌کند؛ جامعه این ازدواج را نمی‌پذیرد بلکه سرزنش می‌کند؛ زن را به عنوان یک کالا که دسترسی به آن آسان باشد قرار می‌دهد که جوابگوی کمترین حقوق زن نخواهد بود... . موانعی مانند مهریه‌ی بالا و عدم کسب اجازه ازدواج از مقامات مسئول، و عدم توانایی مرد به نفقه دادن همسر و فرزندانش سبب ازدواج عرفی است. نتایج دیگری که از تحقیق مذکور به دست آمده به شرح ذیل است، با این توضیح که هر کدام از این درصدها در پاسخ به یک سوال خاص می‌باشد:

۱. ۶۹/۵٪ از زنانی که این تحقیق آنان را در بر گرفته تأکید دارند بر

اینکه جامعه چنین ازدواجی را نمی‌پذیرد و آن را عیب می‌داند.



۲. به نظر ۳۳٪ ازدواج عرفی در حل بعضی از مشکلات بی‌شوهری که در این زمان افزوده شده سهیم می‌باشد.
۳. به نظر ۴۴٪ مشکل بی‌شوهری را حل نمی‌کند.
۴. به نظر ۴۱/۵٪ این ازدواج تأثیر روانی را در مقایسه با ازدواج رسمی و تعدد زوجات، بر زن اول نمی‌کاهد.
۵. ۶۹٪ تأکید دارند بر اینکه روی آوردن به این ازدواج، زن را کالایی که دسترسی به آن آسان باشد قرار می‌دهد. ولی ۱۳٪ این نظر را کاملاً رد کردند. ۱۸٪ گفته‌اند تا حدودی زن را به صورت یک کالایی که دسترسی به آن آسان باشد قرار می‌دهد.
۶. ۴۶٪ گفته‌اند این ازدواج مرتبه‌ی پایینی از حقوق زن را تأمین می‌کند؛ در حالی که ۲۸٪ از آنان قایلند به اینکه این مرتبه هم قابل تأمین نیست. ۲۶٪ هم قائل به تأمین در مرتبه بالایی دارد.
۷. ۶۷٪ تأکید دارند بر اینکه ازدواج عرفی تأثیر روانی بدی بر زن می‌گذارد در اینکه شأن او کمتر از دیگری می‌باشد.
۸. ۷۲/۵٪ از آنانی که تحقیق شاملشان شده تأکید دارند بر اینکه جامعه با حقارت به این ازدواج نگاه می‌کند و شأن کسی را که ازدواج عرفی می‌کند پایین می‌داند. ۹٪ آن را رد می‌کنند، در حالی که ۱۸/۵٪ قایلند به اینکه تا حدودی جامعه با حقارت به این ازدواج نگاه می‌کند.
۹. ۳۸٪ می‌گویند ازدواج عرفی جایگزینی است که اگر فرد رغبت به ازدواج داشته باشد و نتواند، به دلیل دوری از ارتکاب زنا بخصوص در این روزگار که فتنه‌ها رواج یافته است، چاره‌ای جز آن نیست. ۳۱/۵٪ این نظر را رد کردند. ۲۲/۵٪ تا حدودی این نظر را تأکید کردند (مطلق، ۲۰۱۴: ۵۹/p=www.zawjan.com).

همان گونه که از مجموع اظهارنظرها برمی آید دیدگاه جامعه نسبت به این نوع ازدواج مثبت نیست و وجود برخی ضرورت‌ها و نیازها باعث گرایش به آن می‌شود. این نشان می‌دهد که ازدواج دائم نمی‌تواند برطرف‌کننده همه مشکلات باشد و به عبارت بهتر در تمام شرایط امکان‌پذیر نیست و لازم است در دین، نکاح دیگری با شرایط آسان‌تر باشد که در مواقع خاص و ضروری راه‌گشا شود. به عقیده امامیه ازدواج موقت همان نکاحی است که می‌تواند در شرایط خاص ایفای نقش کند.

۵. ضررها و خطرات ازدواج عرفی

برای ازدواج عرفی خطرات و ضررهایی ذکر شده که عبارتند از:

ا- تضعیف ازدواج رسمی و سبک شمردن احکام آن.
ب- تهدید کانون خانواده.

ج- ایجاد دشمنی و کینه میان افراد جامعه، خانواده‌ها، و اصناف آن.

د- اشاعه شک و تردید، سوءظن و بدگمانی و شبهه.

ه- اشاعه فاحشه‌گری تحت پوشش ازدواج.

و- ضررهای مادی، معنوی و روانی.

ز- پوشش گذاشتن بر جرایم ربودن و تجاوز به عنف.

ح- پایمال کردن حقوق (عرفه، ۱۹۹۷، ۲۳۹-۲۵۹).

۶. راه‌های جلوگیری از گسترش ازدواج عرفی

در این خصوص موارد ذیل پیشنهاد شده است:

ا- تشویق به ازدواج در سن پایین.

ب- آسان ساختن راه‌های ازدواج شرعی

ج- تلاش در جهت تقویت رابطه‌ی اعضای خانواده.

د- نظارت بر پسران و دختران.

ه- به کارگیری ابزار و راه‌های تربیتی و تبلیغاتی جهت معالجه پدیده ازدواج عرفی؛ از

قبیل: ۱- نقش مسجد با تأکید روحانیون بر مشکلات ازدواج عرفی و بیان هدف و مقصد

از ازدواج شرعی. ۲- نقش خانواده، اشاعه محبت و مودت میان افراد خانواده. ۳- نقش

دانشگاه؛ افزایش فعالیت‌های دانشجویی و ایجاد عوامل جذب دانشجو جهت تکوین



شخصیت سالم دانشجوی ۴- نقش رسانه؛ در اشاعه ارزش‌ها و محدود کردن زمینه‌های فساد (عادل عامر، ۲۰۰۷: www.f-law.net/law/threads/17278).

۷. عدم برخورداری ازدواج عرفی از شرایط و ارکان ازدواج مشروع

چنانکه به دست آمد، علمای اهل سنت در مورد مشروعیت و عدم مشروعیت ازدواج عرفی دو دسته کلی شده‌اند. بعضی از آنان به دلیل عدم وجود برخی ارکان و شرایط معتبر در نکاح شرعی؛ مثل حضور ولی، شهادت شهود، علنی بودن ازدواج، و لزوم نفقه و مهر، و نیز به دلیل آثار منفی و چالش‌های ازدواج عرفی، عدم ثبت رسمی آن، و مخالفتش با مقاصد و اهداف نکاح، آن را باطل و غیرمشروع دانسته‌اند. برخی دیگر از علمای اهل سنت نیز در صورتی که با اجازه ولی باشد، و شهود حضور داشته باشند و موانع ازدواج منتفی باشند، قایل به صحت ازدواج عرفی شده و گفته‌اند که ثبت در دفاتر رسمی از شرایط نکاح نیست.

به نظر می‌رسد ازدواج عرفی‌ای که در بین برخی جوامع اهل سنت مرسوم است، در صورت دارا بودن شرایط و ارکان نکاح شرعی، همان ازدواج دائم است که اسمش را عرفی گذاشته‌اند با این تفاوت که ثبت رسمی نمی‌شود و ثبت رسمی شدن هم شرط صحت نکاح نیست؛ بنابراین چنین ازدواجی چیز جدیدی محسوب نمی‌شود تا بحث از صحت است و بطلان آن شود. اگر برخی ارکان و شرایط نکاح شرعی را دارا نباشد، در آن صورت موضوعی غیر از نکاح دائم خواهد بود که مشروعیت آن نیازمند دلیل است و از آن جایی که چنین دلیلی از سوی شارع به دست ما نرسیده است؛ چاره‌ای جز حکم به بطلان آن نداریم. آنچه که بر اساس شواهد و مدارک موجود، در میان مردم سنی مذهب، رواج دارد، ازدواج عرفی‌ای است که برخی از شرایط و ارکان معتبر در عقد نکاح دائم نزد اهل سنت را ندارد؛ بنابراین فقهای اهل سنت چاره‌ای جز حکم به حرمت و بطلان آن ندارند. در هر صورت با توجه به مبانی و فتاوی فقهای اهل سنت، برای اثبات بطلان ازدواج عرفی‌ای که متفاوت از نکاح دائم است و با نداشتن برخی شرایط شرعی نکاح دائم اتفاق می‌افتد، نبودن دلیلی از قرآن و سنت بر مشروعیت آن کفایت می‌کند و مواردی چون نهانی بودن و عدم ثبت رسمی نمی‌تواند دلیل بر عدم جواز آن باشد؛ ضمن آنکه نباید جواز یا عدم جواز را دایر مدار فواید یا ضررهای احتمالی و این‌گونه استحضانات کرد.

از سوی دیگر با توجه به ارکان و شرایط صحت ازدواج دائم و موقت از دیدگاه فقهای امامیه، صحت ازدواج عرفی از نگاه آنان نیز قاعداً مورد تردید است؛ زیرا نه ارکان و شرایط نکاح دائم به طور کامل در آن وجود دارد و نه ارکان و شرایط نکاح موقت؛ به دلیل آنکه از یک طرف مهر و نفقه در آن نیست، در حالی که این دو از لوازم ازدواج دائم هستند. در این صورت اگر شرط فاسد را مفسد عقد بدانیم، شرط عدم لزوم نفقه و مهر، موجب بطلان آن می‌شود، و اگر شرط فاسد را مبطل ندانیم، چاره‌ای نیست جز آنکه حکم به صحت آن در قالب ازدواج دائم شود؛ به این معنا که چنین ازدواجی منقلب‌یه ازدواج دائم با همه شرایط و حقوقش خواهد شد، مگر آنکه اذن ولی و رضایت او شرط باشد؛ همان‌گونه که برخی از فقهای امامیه بدان قائلند. از آن طرف، صورتی دیگر از ازدواج موقت هم نیست؛ زیرا هرچند در مواردی چون پنهانی انجام شدن، و عدم نیاز زوجه به اذن شوهر در خروج از خانه با ازدواج موقت شباهت دارد؛ اما به دلیل عدم برخوردار بودن آن از دو رکن مهم ازدواج موقت؛ یعنی تعیین و مدت و مهر، با متعه تفاوت ماهوی دارد و از این جهت هم مشروعیت ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایجی که در باره این ازدواج به دست آمد به شرح ذیل است:

۱. برخی از مخالفان متعه به حکم اقتضات زمانی و نیازی که در عصر حاضر دیده می‌شود، ناچار از حکم به حلّیت نکاح عرفی شده‌اند که پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود و با عقد دائم و موقت شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد.
۲. مهم‌ترین عواملی که موجب گرایش به ازدواج عرفی می‌شود، از یک سو نیاز جنسی‌ای است که در اثر بی‌حجابی، بدحجابی، بی‌بندوباری، اختلاط خانواده‌ها و ارتباط بدون ضابطه دختران و پسران و تحریکات جنسی‌ای که به وسیله اسباب رسانه‌ای و سایر عوامل صورت می‌پذیرد، تشدید می‌گردد، و از دیگر سو فراهم نبودن شرایط وقوع ازدواج دائم آسان به علت هزینه بالای نکاح دائم و سنگینی مهریه است که بیکاری و نداشتن شغل مناسب به آن دامن می‌زند.



۳. برخی از خطرات و آثار منفی‌ای که برای ازدواج عرفی شمرده شده، عبارت است از: تضعیف ازدواج رسمی و سبک شمردن احکام آن، تهدید کانون خانواده، ایجاد دشمنی و کینه میان افراد جامعه و خانواده‌ها، اشاعه تردید و بدگمانی، اشاعه فاحشه‌گری تحت پوشش ازدواج و پایمال شدن حقوق.

۴. ازدواج عرفی که بدون اجازه دادگاه و ثبت رسمی، و غالباً بدون حضور ولی و شاهد و به صورت محرمانه انجام می‌گیرد، به دلیل نداشتن ارکان و شرایط ازدواج دائم از دیدگاه اهل سنت؛ از جمله مهریه، تهیه مسکن و نفقه و لزوم اجازه زوجه از شوهر در خروج از خانه از یک سو، و نبودن دلیلی از سوی شارع بر مشروعیت آن از دیگر سو، قاعدتاً بر مبنای آنان می‌بایست بر مبنای آنا باطل و نامشروع باشد. بر این اساس، مهم‌ترین چالش آن در مذهب اهل سنت این است که در واقع یک نوع شکل شرعی دادن به زنا است و مشکلات و عوارض زنا؛ از قبیل رواج فساد، تزییع حقوق دیگران، عدم تحقق مقاصد انسانی و اجتماعی ازدواج، از بین رفتن مودت و رحمت بین خانواده‌ها و عدم گرایش به ازدواج شرعی دائم را در پی دارد.

۵. گروهی از فقها و اندیشمندان اهل سنت با ازدواج عرفی، مخالف و برخی هم در صورت مشتمل بودنش بر ارکان و شرایط نکاح شرعی به جواز آن حکم کرده‌اند. ازدواج عرفی‌ای که دسته دوم به جواز و صحت آن فتوا داده‌اند، در واقع همان ازدواج دائم است که اسمش را عرفی گذاشته‌اند با این تفاوت که ثبت رسمی نمی‌شود و ثبت رسمی شدن هم به اعتقاد اینان شرط صحت نکاح نیست؛ بنابراین ازدواج عرفی با چنین شرایطی از نگاه اینان چیز جدیدی محسوب نمی‌شود؛ در حالی که چنین نیست؛ زیرا آنچه که در میان برخی جوامع سنی مذهب با این نام رواج دارد، برخی از شرایط و ارکان مزبور را ندارد. بنابراین، برای این دسته نیز راهی جز حکم به ابطال آن باقی نمی‌ماند.

۶. مواردی چون مخفی بودن و عدم ثبت رسمی ازدواج نمی‌تواند دلیل بر عدم جواز نکاح عرفی باشد؛ ضمن آنکه نباید جواز یا عدم جواز آن را دایر مدار

فواید یا ضررهای احتمالی و استحسانات عقلی کرد؛ بلکه در اثبات بطلان و عدم مشروعیت آن همین بس که دلیلی از قرآن و سنت بر مشروعیت آن دلالت ندارد.

۷. با توجه به ارکان و شرایط صحت ازدواج دائم و موقت از دیدگاه فقه‌های امامیه، چنین ازدواجی به سبب عدم لزوم نفقه، عدم وجوب تبعیت زوجه از شوهر و نبودن مهر در آن (که از لوازم نکاح دائم است) و نیز به علت نداشتن مدت و مهر (که از ارکان نکاح موقت است)، در قالب یکی از آن دو در نمی‌آید و از این رو راهی جز بطلان ندارد.

۸. ابداع و رواج ازدواج عرفی، به دلیل نادیده گرفتن احکام مسلم شرعی، فلسفه مشروعیت ازدواج و بی‌توجهی به مقاصد شرعی در تشریح اقسام مختلف ازدواج در اسلام است که منجر به انحراف و بدعت گردیده و پافشاری روی این موضوع، بیراهه رفتن بیشتر در آینده را نیز باعث خواهد شد. اشتباه اهل سنت در مورد حکم به تحریم مسأله متعه از یک سو، و گرایش جوانان سنی مذهب به ازدواج ابداعی عرفی از دیگر سو نشان می‌دهد در هر عصر و زمانی به ازدواجی غیر از نکاح دائم که از شرایط آسان‌تری برخوردار باشد، نیاز است و دین اسلام به عنوان یک شریعت پاسخ‌گو نمی‌تواند این نکته را نادیده گرفته باشد. بنابراین راه نجات از گرایش به این نوع ازدواج‌های ساختگی تن دادن به حکم الهی مبنی بر مشروعیت ازدواج موقت می‌باشد که خود دارای شرایط و ارکانی خاص است.

منابع

قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

ابن تیمیة، ابوعباس (۱۳۸۵ق). *مجموع الفتاوی*. جلد ۲۰، چاپ دوم، قاهره: دار الجهاد.

ابوالبصل، علی (۲۰۰۸م). *دراسات فی فقه النوازل*. چاپ اول، عمان (اردن): دار اسامه.

ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۳۶۹ق/۱۹۵۰). *سنن ابی داود*. جلد ۲، چاپ دوم، مصر:

مطبعة السعادة.



- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). صحیح بخاری. جلد ۳، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء)*. جلد ۲، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق). *الفقه علی المذاهب الاربعه*. جلد ۴، چاپ اول، بیروت: دارالثقلین.
- خرشی، محمد (بی‌تا). *شرح مختصر الخلیل*. جلد ۲، چاپ دوم، مصر: مطبعة الامیریة بیولاق.
- زحیلی، وهبه (۱۹۷۷م). *الفقه الاسلامی وادلتہ*. جلد ۷، چاپ سوم، دمشق: دارالفکر.
- _____ (۱۴۲۸ق). *قضايا الفقه و الفکر المعاصر*. چاپ اول، دمشق: دارالفکر.
- زین‌العابدین، محمد شمس‌الدین (۱۹۹۴م). *مشکله الزواج العرفی، مجلة البحث فی التریبة و علم النفس*. جامعة القاهرة، مصر: کلیة التریبة.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۹۹۰م). *تبیض الصحیفه فی مناقب الامام ابی حنیفه*، چاپ اول، کراچی: اداره القرآن و العلوم الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. (تحقیق: علی خراسانی - جواد شهرستانی - مهدی طه نجف - مجتبی عراقی)، جلد ۴، چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. (تحقیق محمد تقی کشفی)، جلد ۶، چاپ سوم، تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
- عرفه، هادی السعید (۱۹۹۷م). *الزواج العرفی (صوره و احواله، حکمه الشرعی، مخاطره و اضراره، احکامه و آثاره، و وسائل علاجه)*. چاپ اول، مصر: مکتبة الجلاء الجديدة، جامعة المنصوره.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی‌تا). *مفاتیح الشرائع*. جلد ۲، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- نجفی (کاشف الغطاء)، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). *أنوار الفقاهة - کتاب النکاح*. چاپ دوم، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. (تحقیق عباس قوچانی - علی آخوندی)، جلد ۲۹ و ۳۰، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ندا ابواحمد (بی تا). اسباب الزواج العرفی و موقف الشرع منه، چاپ اول، مصر: المكتبة الشاملة.
 نوری، حسین بن محمد تقی (١٤٠٨ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. جلد ١٤، چاپ
 اول، قم: مؤسسه آل بیت (ع).
 نیسابوری، مسلم (١٩٨١م). صحیح مسلم، جلد ١٢، چاپ اول، استانبول: محمد فؤاد عبدالباقی.
 یزدی، محمد کاظم طباطبایی (١٤١٩ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی). (تحقیق
 احمد محسنی سبزواری)، جلد ٥، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
 مدرسین حوزه علمیه قم.

سایتهای

عادل عامر (٢٠٠٧م): الزواج العرفی فی ضوء الشریعة والقانون.
www.f-law.net/law/threads/17278
 غامدی، فاطمه (٢٠٠٧م): نساء یطلبین زواج المسیار. www.alriyadh.com/217742
 مطلق، عبدالملک بن یوسف (٢٠١٤م): مفاسد الزواج العرفی و مساوؤه.
www.zawjan.com/p=59